

پرونده ویژه روزنامه خراسان به مناسبت نخستین سالروز درگذشت علامه حکیمی

# الحیات، همواره در قید حیات

ژرف کاوی در میراث گران سنگ زنده یاد استاد محمدرضا حکیمی در گفت و گو

با حجج اسلام دکتر محمد علی مهدوی راد، استاد دانشگاه تهران و محمد الهی خراسانی، استاد و پژوهشگر حوزه



دوران حیات معنوی او آغاز شده است؛ دورانی که در آن، افکار و نتیجه مذاقه و پژوهش های وی، بیش از هر زمان دیگر، در شکل گیری و سازمان دهی باورهای مسلمانان به ایفای نقش خواهد پرداخت و ضامن تداوم یاد استاد در خاطره مردمان بسیاری خواهد شد و از آن مهم تر، برای آن روانشاد، اسباب باقیات صالحات و علو درجات را فراهم خواهد کرد، ان شاء... آن چه در صفحه اندیشه روز نامه خراسان امروز مرور می کنید، تحلیل هایی است درباره شخصیت، باورها و یادگاری های خالق «الحیات»؛ مباحثی که به روایت اهل فن و برای شناخت بهتر و بیشتر آن عزیز از دست رفته، تقدیم شما خوانندگان ارجمند شده است.

**گروه اندیشه** - یک سال از درگذشت ناباورانه عالمی عامل می گذرد؛ اندیشمند صادقی که فارغ از زخارف دنیوی و تنها به امید رحمت و لطف الهی، در مسیری گام برمی داشت که طی کردن آن، خارج از توان بسیاری بود. زنده یاد علامه محمدرضا حکیمی، روز ۳۱ مرداد سال ۱۴۰۰، دارفانی را وداع گفت. بزرگمردی که سر اسرز زندگی او به جهاد در مسیر عقیده گذشت. ثمره سال ها کوشش وی، مجموعه آثار گران سنگی است که برای نسل ها و عصرهای متممادی، مستندی قابل اتکا برای کسانی محسوب می شود که می خواهند پویندگان راه حقیقت باشند. ثمره مجاهدت های ماندگار علامه، برای پدیدآوردن ترجمانی قابل عرضه از زلال معارف اهل بیت (ع) به نسل جدید و دنیای امروز، نه قابل انکار است و نه فراموش شدنی. با پایان یافتن حیات ظاهری استاد محمدرضا حکیمی،

حجت الاسلام الهی خراسانی:

## «الحیات» خیلی ها را مسلمان کرد

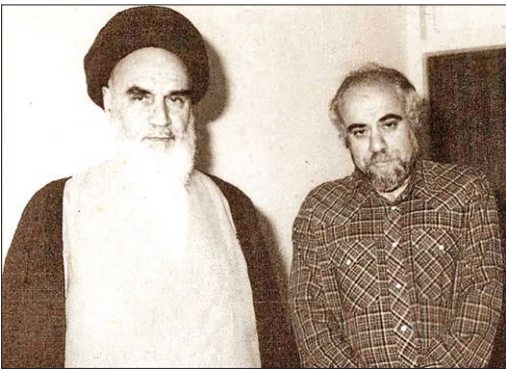
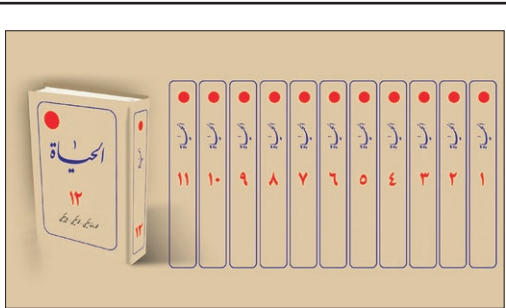
تفکیک کرد. مرحوم حاج شیخ مجتبی قزوینی به عنوان کسی که خودش فلسفه خوانده و البته، اهل نقد فلسفی هم بود، چنین اندیشه ای داشت. این روحیه را در بزرگان دیگری، مانند میرزااجوادآقای تهرانی هم می توان دید و البته، مرام خود استاد محمدرضا حکیمی نیز، همین بود و او تحت تأثیر قرائت حاج شیخ مجتبی قزوینی از مکتب تفکیک قرار داشت. البته نسل اولی های این مکتب و کسانی که مانند آن ها می اندیشند، خیلی با نام تفکیک برای مرامشان موافق نیستند و ترجیح می دهند آن را مکتب «معارف خراسان» بنامند؛ می دانیم که اصلا نام مکتب «تفکیک» نیز، از ابداعات مرحوم استاد حکیمی است و تقریر وی از این مکتب، آشکارا با برداشت نسل اولی ها درباره آن فرق می کند.

■ الحیات و ارزش های والای آن

یکی از مهم ترین سرفصل ها برای شناخت شخصیت و اندیشه مرحوم استاد حکیمی، بررسی موسوعه با دانشنامه «الحیات» است. برخی به اشتباه آن را دانشنامه حدیثی می خوانند، اما عنوان دانشنامه قرآنی - حدیثی برای این موسوعه، مناسب تر به نظر می رسد. این دانشنامه چند خصوصیت بسیار برجسته دارد؛ نخستین و مهم ترین آن ها که از نام موسوعه هم پیداست، یعنی از عنوان «الحیات»، این است که تنها جامع حدیثی مبتنی بر سبک زندگی محسوب می شود و این یک ویژگی فوق العاده است. ما هیچ موسوعه حدیثی دیگری نداریم که ناظر به سبک زندگی باشد؛ موسوعه های حدیثی دیگر یا کاملا اعتقادی هستند یا کاملا اخلاقی - تربیتی و یا این که کشکولی از بحث های اعتقادی - اخلاقی محسوب می شوند؛ به عبارت بهتر، قصد ندارند راه و مرام و مشی زندگی مؤمن را ترسیم کنند و بگویند باید ابتدا از اعتقادات شروع کنیم و بعد برویم سراغ حوزه های مختلف شخصی، تعاملات خانوادگی و اجتماعی و... اصلا نوع ساختار «الحیات» تنبویی (فصل بندی ای) که دارد، چیز بی سابقه ای است. با چنین رویکردی آغاز کردن و بعد، مثلا پرداختن به مبانی اصول اقتصاد از دیدگاه اسلام یا موارد دیگری مثل سیاسیات در اسلام یا اجتماعیات در اسلام و... واقعا تاپیش از نگارش «الحیات» سابقه نداشته است. این نگاه بدیع بود که باعث گرویدن افراد زیادی به اسلام شد. خیلی از کسانی که شناختی از اسلام نداشتند، با خواندن «الحیات» یا ترجمه های آن، مسلمان شدند و این نکته مهم در خور توجهی است. نکته دیگری که باید درباره این دانشنامه مدنظر قرار دهیم این است که در «الحیات» به ذکر آیات و روایات اکتفا نمی شود؛ مانند آن چه که در دیگر موسوعه های حدیثی، مثل «میزان الحکمه» شاهد آن هستیم. در «الحیات» سعی شده است که آیات و روایات شرح و توضیح داده شود و این شرح و توضیح ها، بسیار ارزشمند هستند. به همین دلیل می توانیم «الحیات» را، یکی از غنی ترین منابع فقه الحدیثی بدانیم و به یک معنا، آن را به خاطر شرح ها، جمع بندی ها و نکته سنجی هایی که ذیل آیات و روایات دارد، یک تفسیر موضوعی قوی فرض کنیم. افزون بر این شرح ها که ارزش کار نویسنده را بالای برد، نثر کتاب نیز، چشم نواز است؛ یعنی شما در «الحیات» با یکی از فاخرترین ترجمه های آیات و روایات روبه رو هستید و این ناشی از قلم توانمند استاد حکیمی است.

■ عدالت اندیشی در منظومه فکری علامه حکیمی

بعد دیگر شخصیت استاد حکیمی که باید مورد توجه قرار گیرد، عدالت اندیشی اوست. می دانید که ایشان به «فیلسوف عدالت» مشهور است و دیدگاه ها و دغدغه هایش در باب عدالت، بسیار مهم و قابل توجه هستند. مرحوم استاد حکیمی اعتقاد دارد که اساسا دین برای اقامه عدل و قسط در جهان آمده است و فلسفه دین را در اقامه عدل خلاصه می کند و اعتقاد دارد که غایت و هدف اصلی دین، رسیدن به عدل و قسط در جامعه است و این موضوع را، شاخص دینی بودن جامعه اسلامی می داند. این میحت در اندیشه استاد هم، جایگاه بسیار مهمی دارد و با طبع، نقد جدی و نسبت به وضعیت عدالت در جامعه اسلامی نیز، از همین دغدغه و دیدگاه ناشی می شود. من معتقدم که آن مرحوم، یک انقلابی بود و این انقلابی بودن را حفظ کرد؛ دغدغه انقلابی و آرمان خواهی انقلابی داشت و بر اساس همین روش، به نقد مسئولان و عملکرد آن ها می پرداخت؛ در واقع زاویه نقد او به حاکمیت و مسئولان، از همین زاویه عدالت خواهی و آرمان گرایی انقلابی بود. او اعتقاد داشت که مهم ترین شاخص برای ارزیابی عملکرد مسئولان، همین شاخص عدالت، در همه ابعاد خودش است. شاید به همین دلیل است که با وجود زهد بسیار و گوشه عزلت گزیدن، در کانون توجهات قرار داشت و هنگامی که درگذشت، افراد مختلف، از جریان های فکری و سیاسی گوناگون، به ابراز احساسات درباره او پرداختند. این که می گویم مرحوم استاد حکیمی گوشه عزلت گزیده بود، یک تعارف نیست؛ واقعا همین طور بود. او در همایش ها و نکوداشت هایی که برایش برگزار شد، شرکت نکرد و حتی حاضر نشد جایزه جشنواره فارابی را بپذیرد؛ اما در همان حال، آن قدر مطرح و مورد توجه بود که مجامع فرهنگی و سیاسی کشور، با سلاطین گوناگون، به تمجید از استاد پرداختند و این، یکی از جنبه های فوق العاده شخصیت مرحوم استاد محمدرضا حکیمی است.



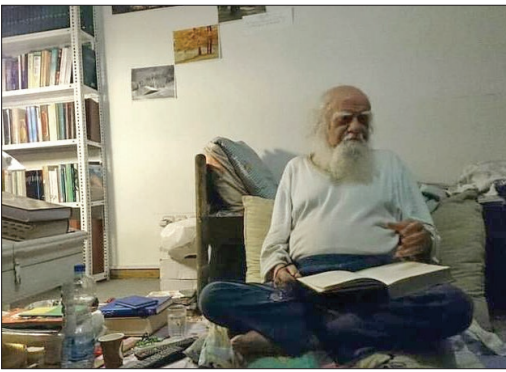
در محضر امام خمینی (ره)



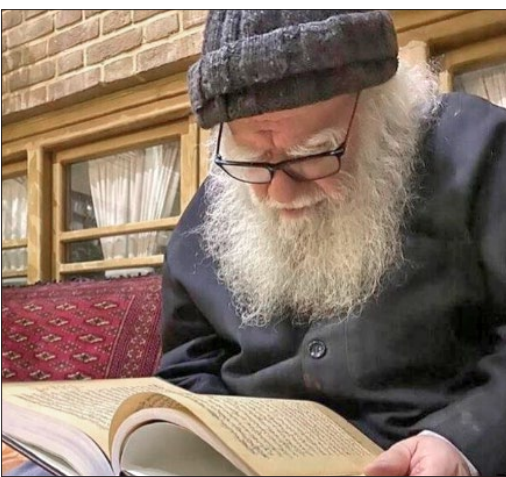
در کنار زنده یاد حجت الاسلام سید هادی خسرو شاهی



همراه با علامه محمد تقی جعفری



در منزل شخصی



در حال مطالعه

حجت الاسلام دکتر مهدوی راد:

«الحیات» در جامعه ما مظلوم است

**نوائیان** - حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی مهدوی راد، از قرآن پژوهان و استادان بنام حوزه مطالعات قرآن و حدیث و استاد تمام دانشکده الهیات پردیس فارابی دانشگاه تهران است. او آشنایی دیرینی با علامه محمدرضا حکیمی دارد و در دیدار هایش با آن مرحوم، به تکمیل دانسته هایش پرداخته است. حجت الاسلام مهدوی راد از مدعوین مراسم نکوداشت نخستین سالگرد درگذشت علامه حکیمی است که امروز در سالن «شیخ طبرسی» بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی در مشهد برگزار می شود و دلیل این دعوت نیز، انس و ارتباطی است که او با علامه فقید داشته. به همین دلیل، با حجت الاسلام مهدوی راد تماس گرفتیم و از او خواستیم که هر چند مختصر، به پرسش هایم درباره علامه حکیمی پاسخ دهد و آن چه در پی می آید، حاصل همین گفت و گوست.

**به عنوان کسی که سال ها با علامه محمدرضا حکیمی ارتباط داشته و آثار او را مطالعه کرده اید، اصلی ترین دغدغه آن مرحوم را چه می دانید؟**  
زنده یاد استاد محمدرضا حکیمی، از معدود عالمان، متفکران، اسلام شناسان و محققانی است که به دین با نگاهی جامع می نگریست؛ یعنی هم با نگاه تمدنی، هم با نگاه ارزشی، معرفتی و هدایت پذیرانه. به اعتقاد من، مهم ترین دغدغه و دل مشغولی آن مرحوم، انسان، کرامت انسان و آزادی و ورهایی انسان از وابستگی های گوناگون بود. نخستین کتابی که منتشر کرد، یعنی مجموعه مقالاتی که عنوان «سرود جهش ها» دارد، هدیه ای است به «انسان و انسانیت ها». البته بر مبنای این دیدگاه، انسان هم باید مسیر را بشناسد و بر پایه شناخت حرکت کند، تا به آن مقصد اعلی و مقصود والا برسد. این که انسان باید نقشبند زندگی و نقشه راه خود را از کجایک برد، هم، از دل مشغولی های مهم استاد بود که در نهایت، در قالب دایره المعارف «الحیات» تحقق یافت و منتشر شد.

**مرحوم علامه برای طی کردن این مسیر و رفع دغدغه ای که به آن اشاره کردید، چه راهکار و نسخه ای را برگزیده و پیشنهاد می کرد؟**  
همان طور که اشاره کردم، چه در نخستین مقالات یعنی در «سرود جهش ها» و چه در آثار دیگر ایشان، مانند «بر کرانه غدیر»، دغدغه یافتن مسیر وجود دارد. در آن مقالات و آثار بعدی، استاد از جایگاه تالیف تقلیل (قرآن و اهل بیت (ع)) در هدایت معنوی انسان و ترسیم زندگی او صحبت می کند. این رویه تا آخرین صفحات دایره المعارف «الحیات» حفظ می شود، یعنی تا آخرین صفحاتی که توسط آن مرحوم نوشته و تنظیم شد. عرض کردم که دغدغه او زندگی آزاد و توام با کرامت انسان بود؛ انسانی که با فقر کمرش نشکند و چهره اش کدر نشود. مرحوم استاد حکیمی، از همان آغاز، این موضوع را مدنظر داشت و در منظومه فکری او، برنامه و نقشبندی که برای رفع گرفتاری های انسان وجود داشت، همان معارف تقلیل بود؛ یعنی زندگی کردن در سایه سار آموزه های تقلیل.

**به اعتقاد شما، برجسته ترین ویژگی شخصیتی مرحوم استاد حکیمی چیست؟**

ببینید، من در همین محدوده ای که زندگی کرده و انسان ها را شناخته ام؛ یعنی طی همین پنج دهه از عمرم که در جامعه و تعاملات اجتماعی گذشته است، مانند مرحوم استاد حکیمی را ندیدم؛ از این جهت که او، در میان همه بزرگوارانی که دیده ام، از معدود شخصیت هایی بود که به آن چه باور داشت، صد در صد عمل می کرد؛ یعنی آن چه را که از آموزه های تقلیل فرا گرفته بود، در زندگی اش عینیت می بخشید. باور من این است که از این جهت، آن مرحوم، نظیری ندارد.

**اصلی ترین اثر استاد حکیمی، کتاب ارزشمند و معروف «الحیات» است. لطفا درباره این کتاب و جایگاهی که می تواند در جامعه ما داشته باشد، نکاتی را بفرمایید.**

من اعتقاد دارم که «الحیات» در جامعه ما مظلوم است؛ دایره المعارفی که مرحوم استاد حکیمی، آن را بر بنیان مبانی تفکر تقلیل به رشته تحریر درآورد و تنظیم کرد و به واقع، بازتاب دهنده معارف و آموزه های قرآن و حدیث است. خدا کند که این کتاب از غربت بیرون و به متن جامعه بیاید و همه از آن بهره مند شوند.

**طی سال های انس با علامه حکیمی، حتما در س های بسیاری از ایشان آموختید و اندرز های مفیدی شنیدید. مهم ترین اندرز و درسی که از آن مرحوم گرفتید، چه بود؟**

من قبل از این که برای نخستین بار به دیدار استاد حکیمی بروم، کتاب ها و آثار ایشان را خوانده بودم. وقتی اولین دیدار دست داد، در پایان حضورم در محضر استاد، از ایشان خواستم نکته و راهنمایی ای بفرمایند تا بتوانم با اتکا به آن در زندگی حرکت استواری داشته باشم و در مسیر زندگی، گام هایم لغزان نباشد. استاد بعد از نقل داستانی از دوران جوانی خودش، به من فرمود: سعی کن در مسیر زندگی، بر اساس معارف دینی، یک شناخت استوار و راه روشن را پیدا و با آن حرکت کنی. اگر

چنین کاری را انجام بدهی، در گذرگاه های زندگی، هر چه جریان فکری شکل بگیرد، در کنار این مسیر ایجاد خواهد شد و تورا دچار بحران و چالش نخواهد کرد؛ اما اگر این راه را پیدا نکنی و این زاویه روشن را نیابی، بر خورد تو با هر جریان و تفکری، باعث ایجاد تشتت می شود و اسباب سرگردانی تورا فراهم خواهد کرد. من در طول زندگی ام، همواره کوشیده ام تا در حد خودم، از برکات این راهنمایی برخوردار باشم و البته، ثمرات نیکویی برای من داشته است.



■ اسوه کامل طلبگی

مرحوم استاد حکیمی، در درجه نخست، یک اسوه طلبگی به تمام معناست؛ از این نظر که او، هم تحصیلات حوزوی خودش را بسیار موفق طی کرده و از بهترین استادان، بیشترین بهره را برده و هم در دوران طلبگی، یک طلبه فاضل، در س خوان، کوشا و مورد ستایش استادانش بوده است. این موضوع در مورد آن مرحوم شهرت بسیاری دارد. مثلا معروف است که تقریر استاد حکیمی از درس آیت... العظمی میلانی در حدی از استواری قرار داشت که آن مرحوم گفته بود این تقریر، به دلیل نگارش عالی و دقت فراوانی که در تنظیم آن به کار رفته است، می تواند جایگزین برخی کتاب های درسی حوزه شود یا به عنوان نمونه ای دیگر، می شود تسلط عالی استاد حکیمی بر ادبیات عرب را شاهد آورد. یک نکته مهم که باعث ممتازی دوران طلبگی آن مرحوم می شود، علاوه بر بحث خوب در س خواندن و تحصیل کردن، توجه به جهات معنوی طلبگی و سیر و سلوک است؛ در واقع علم و معنویت، در وجود استاد کاملاً با هم جمع شده بود. افزون بر این ها، مرحوم استاد حکیمی، در کسوت یک طلبه فاضل، به درس های رسمی حوزه اکتفا نمی کرد و اهل مطالعه بود؛ اهل مراجعه و تحقیق و به علاوه، مهارتی کم نظیر در فن نگارش داشت؛ ویژگی بسیار مثبتی که معمولا طلاب در آن ضعف دارند. این ویژگی، یعنی طلبه اهل ادب، اهل قلم و نگارش بودن، یکی از ویژگی های مهم شخصیت استاد حکیمی محسوب می شد. در واقع می توانم بگویم که استاد با زندگی خود، یک الگوی تراز طلبگی را به نمایش می گذارد. در کنار این فضیلت ها، استاد حکیمی صاحب بصیرت سیاسی و اجتماعی بود و با مردم حسن غم خواری و همدردی داشت و این، خود از صفات مهمی است که هر طلبه ممتازی باید از آن برخوردار باشد.

■ برداشتی متفاوت از «مکتب تفکیک»

تفکر و اندیشه استاد حکیمی نیز، شاخصه مهمی در بررسی شخصیت علمی اوست. آن مرحوم مرام تفکیکی داشت و تحت تأثیر استادش، مرحوم آیت... حاج شیخ مجتبی قزوینی بود و ظاهرا بیش از همه استادانش، از آن عالم ربانی متأثر شد. مرحوم حاج مجتبی قزوینی، به اذعان برخی از اهل فن، از تفکیکی های نسل دوم شمرده می شود. خصوصیت تفکیکی های نسل دوم این است که نسبت به نسل اول که شاخص ترین آن ها مرحوم میرزا مهدی اصفهانی است، معتدل تر هستند. تفکیکی های نسل دوم، غالبا فلسفه خوانده و اهل معقول و استدلال های عقلی اند؛ در رجح می دهند در یک فضای گفتمان فلسفی، نقد های خودشان را مطرح کنند و اعتقاد آن ها، در رابطه با فلسفه و عرفان، به طور کلی، ضاله و مُضِل بودن آن ها نیست، بلکه معتقدند قواعد و مبانی بایدیک به یک بررسی شود. مواردی که دارای مطابقت با مفاهیم دینی است یا با این مفاهیم، مخالفتی ندارد، پذیرفته می شود و مواردی که مخالفت دارد در اجماع، باید به نقد گذاشت. نقدهای آن ها هم عمدتا استدلالی و عقلی است. به همین دلیل، هیچ وقت موضع تکفیر نسبت به فلاسفه و عرفا ندارند و بلکه گاهی از برخی از آن ها، با احترام یاد می کنند. مخالف فراگیری و خواندن فلسفه و عرفان نیستند؛ اما معتقدند

